

# رهائی



سال سوم، شماره ۱۱۰

پنجشنبه ۲۴ دی ماه ۱۳۶۰

## نشریه سازمان وحدت کمونیستی

# نگاهی به برنامه مرحله‌ای دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی

موقتی داشتن کلیه مقامات و مسئولیتها و نهاد های دوران انتقال (ماده ۵) ، شورای ملی (مقاومت) ، برای استقلال ، آزادی و جمهوری دموکراتیک اسلامی ، مرجع نهائی تصمیمگیری و اداره امور کشور طی دوران انتقال است و برحسب اساسنامه ی خود ( ۴ ) ، اتخاذ تصمیم میکند ( ماده ۶ ) ، ریاست کشور و جمهوری ، نظراختیارات جدید ریاست جمهوری برعهده ای آقای دکتر ابوالحسن بنی‌صدر است که در رئیس کشور و به هیچ حزب و گروه و جمعیت سیاسی بستگی نداشته و هرگونه تحزب تحت نام ایشان ممنوع است ( ماده ۷ ) ، مسئولیت اینجانب ( مسعود رجوی ) نیز چیه بعنوان مسئول و سخنگوی رسمی شورا و جهت مقام تشکیل دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی صرفا موقتی است ( ماده ۸ ) .

چندی پیش ( \* ) خبرگزار بهیاری خارجی اطلاع دادند که رجوی و بنی‌صدر ، دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی ایران را در پاریس تشکیل دادند . بهرآشرف محظورات دولت فرانسه در اعلام تشکیل دولت موقت در خاک فرانسه رجوی و بنی‌صدر ، تشکیل دولت موقت را رسماً تکذیب کردند و اعلام داشتند که دولت آنها نه در تبعید بلکه پس از سرنگونی رژیم خمینی در ایران تشکیل میشود . با اینحال اخیرا متن کامل برنامه ی دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی در سیزده صفحه ی بزرگ ، دارای سه فصل و مواد و تبصره های متعدد ، با امضای مسعود رجوی بعنوان مسئول شورای ملی مقاومت و مورخ ۵ مهر ۱۳۶۰ ، بدستمان رسید .

قبل از بررسی محتوای این برنامه ، لازمست چکیده های از متن اثر نقل کنیم .  
فصل اول  
فصل اول این برنامه تحت عنوان " وضعیت موقت و وظیفه ی اساسی دوران انتقال دارای ماده ۸ است که اساسی ترین مواد آن بشرح زیر است :  
" موقت بودن دولت جمهوری دموکراتیک اسلامی " و انتقال حاکمیت به مردم ایران ( ماده ۱ ) ، ایجاد مجلس موسسان از طریق انتخابات آزاد ( با هر گونه نظارت و تضمین مردم ) برای تعیین نظام قانونی جدید و روش قانون اساسی آن ( ماده ۳ ) ، عدم صلاحیت ایادی امپریالیسم و ارتجاع و بقایای شاه و خمینی و نیروها و احزاب وفادار به آنها در صورتی که خود را بعنوان نامزد انتخاباتی در مجلس موسسان معرفی کنند ( ماده ۴ ) ، صرفا جنبه

فصل دوم  
این فصل به بیان نظرگاههای اساسی و خط مشی " دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی اختصاص دارد . و سر خط اساسی ترین سیاستهای دولت موقت ، در ۹ بخش بیان میشود که فشرده ی این بخش های نه گانه بشرح زیر است :

- ۱- مقاومت مشروع ملی و حراز حاکمیت مردمی ( برسمیت شناختن حق تصمیم گیری و تعیین سرنوشت )
- توضیح علت تأخیر در انتشار رهائی
- در صفحه ۱۵

( \* ) این نوشته چند هفته پیش نوشته شده بود که بدنبال تاخیر انتشار بخبرایلی که در همین شماره ما شاره کردیم ، انتشار آن به تاخیر افتاد .

تکثیر از طرفداران سازمان وحدت کمونیستی در خارج از کشور

در این بخش پس از ذکر جنایات خمینی و دشمن درنده خولی که جنایاتش در تاریخ گم سابقه است و افشا، ماهیت احزاب و نیروهای چنایتکار دست راستی و فرصت طلب که مجموعاً "جنبه متحد ارتجاع" نام گرفتند نتیجه گرفته میشود که :

۱- احراز حاکمیت مردمی از طریق دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی، ارزشمندترین رفاورد مقامت ما دلائلی ملت ایران است، رفاوردی (که) به اعتقاد مسلمانان راستین، ارادهی خدا نیز در پهنه اجتماعی اساساً و تاریخیاً از طریق آن به ظهور میرسد .

۲- هدفهای تاریخی این حاکمیت و مسیر واقعی وحدت پس از اشاره به اینکه در روزهای قبل از قیام، تودمهای مردم محروم ما در مبارزه علیه دیکتاتوریت دسپوتیک شاه، از شعار جمهوری اسلامی، آزادی، استقلال و عدالت و یگانگی اجتماعی را می طلبیدند "چرا که آنها تحت رایت اسلام، انتظار این جزاین نداشتند". چنانکه پدر طالقانی نیز برحسب پیشش اسلامی خود بر روی هدفهای تاریخی حاکمیت مردمی تأکید داشت. در حالیکه خمینی در انحراف عظیم و نابخشدنی اش از مسیر وحدت بود که مجدداً تفرقه و تجزیه و بی اعتمادی در صفوف مختلف ملت را بغایت دامن زد "بنا براین انقلاب کیسیر سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی ما در مسیر هدفهای تاریخی حاکمیت مردمی جاری است و صرفاً از طریق پیوند زدن گذشته مبارزاتی ملت ایران با آینده سوید بخش و سازندگان متحقق میشود .

۳- "نجات ایران، های اصیل و ترقیخواهانهای ملی و میهنی در این بخش در آغاز "به انهدام و سرکوبارتجاع همه ارزشهای اصیل و ترقیخواهانهای ملی از جانب خمینی اشاره میشود که :  
بارزترین نمود این حقیقت را میتوان تخفیف و توهین به پیشوای فقید نهضت ملی ایران دکتر ممد مصدق و الگوسازی مرتجعین قهاری چون شیخ فضل الله و کاشانی که بکرات از جانب خمینی تکرار شد، باز یافت .  
و سرانجام نتبه گرفته میشود که :  
به اعتقاد مسلمانان واقعی، ایرانیت و ملی گرائی ترقیخواهانانه دقیقاً در خدمت آرمانهای رهائی بخش مردمی اسلامی است .

۴- "محتوای ملی، دموکراتیک و ضد امپریالیستی انقلاب" در این بخش، پس از اشاره به اینکه "از فردای انقلاب ۲۲ بهمن، کلمه والا و برانگیزندهی انقلاب همچون بسیاری کلمات دیگر به بالاترین درجه توسط مرتجعین حاکم به ابتدال کشانده شد و نیز اشاره به اینکه "اساسی ترین شعارها و خواسته های عموم مردم در زمان شاه، در زمان خمینی نیز پراورده نگرددید" اضافه میگردد که :  
بنابراین، وفا داری بهمان عام ترین انتظارات تمامی ملت ایران از انقلاب ۱۳۵۷، خصوصیات انقلاب آزاد بخش و استقلال طلبانه را عیناً ملایم و دموکراتیک و ضد امپریالیستی تعریف میکنیم، خصوصیات که به اعتقاد

مسلمانان راستین دقیقاً در جهت اسلام واقعی بوده و نقض عملی آنها توسط خمینی، بزرگترین جنایات ضد اسلامی او محسوب میشود .

۵- "اهمیت برسمیت شناختن محتوا و خصایص ویژهی انقلاب" در این بخش گفته میشود که "برسمیت شناختن محتوا و خصوصیات دموکراتیک و ضد امپریالیستی انقلاب ایجاب میکند که . . . کلیه ضوابط یا ساختار، قوانین و مناسبات اجتماعی کمپادوری و ارتجاعی ملغی و بجای آن مناسبات نوین استقلال طلبانه و دموکراتیک مستقر گردد . . . پس در سازمان ایران فردا، نه سرمایه داری وابسته به خارجی و نه فتوالبیسم جائی خواهد داشت . (۱)

۶- "تضمین پیروزی انقلاب و عدم رجعت به گذشته" در این بخش می آید که :  
. . . هیچ تضمین واقعی دیگری برای پیروزی انقلاب جز جهت گیری و رشد ضد استعماری وجود ندارد . . . و اینهم مبارزه توانمان سازندگی و آید تلوژیکی است . . . اما چنین مبارزهای در مسیر رشدی مستقل (ونه وابسته) در چارچوبها محاط هرگونه ستعمو استعمار میسر است که خود اجتماعاً ملازم با اتکانه به انبوه دهقانان و کارگران محروم ایران می باشد .

۷- "نظام شورائی، متکاملترین شکل اداره امور کشور و پایداری انقلاب" در این بخش اعلام میشود که :  
"تضمین پیروزی نهائی انقلاب و همچنین تثبیت آزادی و استقلال پایدار کشور . . . گسترش تدریجی نظام شورائی در همه شئون و سازمان اداری کشور است

۸- "مفهوم رد یکجانبه و تفسیر صرفاً سرمایه داری رشد" در این بخش "یکجانبه"ی رشد و تفسیر صرفاً سرمایه داری رشد، بشرح زیر توضیح داده میشود که در دنیای سرمایه داری مرسوم است که "رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی صرفاً بر اساس پیشرفت های مادی و امار و ارقام اقتصادی ارزیابی شود . و از طرف دیگر،

"طرز تلقی رژیم خمینی از توسعه و رشدی که آنرا بدون هیچ پایه مادی و اقتصادی در نظر میگردد، بسیار ارتجاعی و درمانده است و جز ناتوانی مضاعف (هم در قبال رشد مادی و هم در قبال رشد معنوی جامعه) را بر ملا نمی کند".  
در مقابل این دو نوع طرز تلقی از رشد، دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی، وحدت برنامه ریزی در نظر و عمل را پیشنهاد میکند . طرز تلقی دولت موقت، از "وحدت برنامه ریزی در نظر و عمل بدین گونه است :

۹- "وحدت برنامه ریزی در نظر و عمل" در این بخش میخوانیم :  
"اعتقاد راسخ داریم که هدفهای برنامه ریزی مشخص تنها وقتی جامعه عمل می پندند که برنامه در تمامیت خود طرح و اجرا شود و نه آنکه

" همچون حکمروایان رژیم خمینی هر آنچه را که صلحت روز باشد اجرا نمود از این احکام درست و نتیجه گیری نادرست زیرا که بعداً به آن خواهیم پرداخت ) ، ارائه میشود که بنا بر این ما

هرگونه مثله کردن و ازجا معیت انداختن برنامه حاضر ( برنامه دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی که در فصل سوم عنوان خواهد شد ) را محکوم می کنیم .

فصل سوم

فصل سوم دارای ۳ بخش و توضیحات فراوان و مواد و تذکرات متعدد است. این فصل تحت عنوان مواد برنامهی مرحلهای " دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی " اساس و چارچوب برنامهی " دولت موقت " را تشکیل میدهد که در زیر خلاصه ای از بخش های دوازده گانه ای آن نقل میشود . اولین بخش به بحث استقلال اختصاص دارد که دارای عمده و تذکر است. در مقدمه ای این بخش از جمله آمده است که استقلال بعنوان نخستین دین انقلاب ما " بشمار میرفت ولی بدلیل مباحثهای ارتجاعی خمینی ، ما نه تنها پس از سقوط نظام سلطنتی از بسیاری جهات مستقل تر نشدیم بلکه بگفتهی رئیس جمهوری دکنتر بنی صدر ، وابستگیها بطن نیز افزایش یافت . در مواد شش گانه ای این بخش ، از قطع همه روابط اسارت با امریالیستی " اعمال کامل حق حاکمیت ملی بر چمخ منابع طبیعی و ثروتهای ملی بویژه نفت " خروج از تک پایی اقتصادی . . . از طریق توسعه و رشد کشاورزی و صنایع ملی " ملی کردن تجارت خارجی " قائل شدن اولویت برای کشاورزی و بالاخره " احیای صنایع ملی ( (۱) ) . در همین توجه اکید به رشد صنایع متوسط و کوچک بویژه در حوالی روستاها سخن بهمان جا می آید . بحث استقلال همچنین دارای سه تذکر است :

تذکر اول دولت موقت و سرطایداری و بازار ملی مالکیت شخصی و خصوصی و سرمایه گذاری را می پذیرد مشروط بر اینکه ابعاد نامحدود و وابسته

سازد . . . پیدا نکنند . در تذکر دوم پس از ارائه تضمین در قطع هرگونه تحمیلات دولتی و سپردن آنها به کسبه جز تولید کنندگان خرد و بزرگ و بکلی ممنوع کردن رسومات ارتجاعی همچون شلاق زدن کسبهی جز توسط رژیم خمینی " اضافه میشود :

بدون تصویب شورای بازار و اتحادیههای صنفی ، کسبهی جز را بهیچوجه نمیتوان به پرداخت وجه مالیاتی برخلاف رضایتشان وادار نمود .

و

" تذکر سوم استقلال و ضدیت با امریالیسم به مفهوم ضدیت با کشورهای صنعتی در تجمیعت

خارجی " قائل شدن اولویت برای کشاورزی و بالاخره " احیای صنایع ملی ( (۲) ) . در عین توجه اکید به رشد صنایع متوسط و کوچک بویژه در حوالی

تاریخی ، اقتصادی ، فنی و هنری و فرهنگی آنها نیست بنا بر این

" بخصوص با بستن حساب ویژه ای برای تعطیلات مردمو نیروهای واقعی دموکراتیک کشورهای صنعتی باز نمود یعنی برقم سیاست عوامفریبانه و فرمالیستی خمینی ، ما نمیخواهیم و نمیتوانیم از دنیا ی پیرامون خود منزوی بسر ببریم . . .

دومین بخش به بحث آزادی اختصاص دارد . . . در آنگاه مفهوم کلی آزادی از نظر دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی بیان میشود و اضافه میگردد : این آزادی نه یک تفنن بلکه ضرورت اجتماعی ناپذیر انقلابی از قبیل انقلاب ماست

ولی از یکطرف طبقه با ولنگاری بورژوازی اساساً مغایرت دارد و از سوی دیگر در همه روابط اجتماعی و سیاسی ، وفاداری و اعتقاد دموکراتیک ( (۳) ) را چنانچه اعمال قهر میسازد . دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی " درخصوص آزادی

" موارد زیرین را با ایجاد امکانات اقتصادی - اجتماعی تضمین میکند :

الف - آزادی کامل عقیده و بیان و منع هرگونه سانسور و تفتیش عقاید ب - آزادی کامل مطبوعات ، احزاب ، اجتماعات جمعیت های سیاسی و نجات اتحادیه ها و انجمن ها و شوراهای و سند بگا های مختلف به استثنای احزاب و دستجات ضد انقلابی وفادار : شاه و خمینی . این آزادی تا مرز قیام مسلحانه بر علیه نظام مشروع و قانونی کشور ، هیچ محدودیت اصولی ندارد .

ج - پذیرش حق انتقاد در کلیه سطوح و مسئولیت های کشوری و لشکری و غیره د - انحلال دادگاه های نظامی و فوق العاده ( چه از نوع بیداد گاه های شاه و چه از نوع محاکم ضد انقلابی خمینی ) و رسیدگی به جرایم سیاسی مختلف در محاکم عادی با حضور هیات منصفه و برخورداری متهم از هرگونه حق دفاع و انتخاب وکیل و دادرسی مجدد ه - منع هرگونه شکنجه بهر عنوان

و - امنیت قضائی و شفلی تمام احاد مردم ، انحلال کمیته ها و پاسداران دیکتاتوری خمینی . در این بخش سوم مربوط است به شوراهای مردمی . در این بخش پس از تاکید بر تلاش های پیدر پیادگانی فقید در این زمینه ، هدف شوراهای مردمی بدین گونه توصیف میشود :

" دولت موقت طرز کار شورائی را در دو سطح عملی خواهد نمود :

اول - شوراهای تصمیم گیرنده در زمینه های که مانند اداره امور شهر هیچ نیازی به اعمال مرکزیت و سانسور از خارج ندارد .

برای تحقق آرمانهای واقعی زحمتکشان : انقلابی دیگر باید

دوم شوراهای مشورتی (که نیاز به اعمال مرکزیت و سانسورالیم از خارج از شورا دارد) با اختیارات کمتر که یا صرفاً نقش مشورتی داشته و یا فقط حق وتو و یا فی‌المثل حق لغو انتصاب است، مدبران یا فرماندهان مربوطه را دارند.

البته مضافاً اعلام میگردد:

"... دولت موقت اجازه نخواهد داد که شوراها و همچنین سایر مجامع انتخابی، مصنوعی و اعمال خدعه و تقلب، آلت فعل هیچ گروه، حزب، سازمان و حتی دولت حاکم گردد.

بخش چهارم اختصاص دارد به تساوی حقوق سیاسی و اجتماعی کلیه افراد ملت ایران در این بخش می‌آید:

"اصل حاکمیت مردم ایجاب میکند که آراء عمومی کاملاً محترم شمرده شود و اضا فیه میگردد:

اگر چه حقایق علمی و فلسفی هیچگاه تابع رای‌گیری دموکراتیک نیستند.

در این بخش، بر روی تساوی حقوق سیاسی و اجتماعی همه‌ی اجاد ملت و لغو امتیازات جنسی و قومی و عقیدتی" تکیه میشود ولی

"با این تأکید که پنهان نمودن فرصت طلبانه‌ی عقاید و افکار، برای جلب تقلب‌آمیز نیز بشدت محکوم است.

واضا فیه میگردد:

"باید تذکر داد که به اعتقاد ما مسلمانان الفاء" تبعیضات سیاسی و اجتماعی در میان تمام اجاد ملت به هیچوجه بمتاب صرفنظر گردن از حقانیتی نیست که برای اسلام محمدی قائمیم به این دلیل مبرهن روز که

"دقیقاً برخلاف خمینی... ما عمیقاً معتقدیم که شکوفائی واقعی اسلام در عدم استفاده از هیچ گونه تبعیض و امتیاز و اجبار سیاسی و اجتماعی میسر است."

بخش پنجم مربوط به "حقوق ملیت‌ها" است. در این بخش گفته میشود:

خود مختاری داخلی به مفهوم رفع ستم مضاعف از همه شاخه‌ها و متفرعات ملی و وطنان و تأمین جمیع حقوق و آزادیهای فرهنگی و اجتماعی و سیاسی برای آنها در چارچوب وحدت، حاکمیت و یکپارچگی تجزیه‌ناپذیر کل کشور ضرورت جدی دارد. بعینون تأکید در مورد کردستان، اضا فیه میشود:

دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی همچنین تلاش خواهد کرد تا قومیت محلی (مثلاً کردستان) را با احقاق حقوق حقه آن، بصورت بخشی از ملی‌گرائی ترقیخواهانهای تمام ملیت

ایران تثبیت نموده و آیند و را برای همیشه از تعارض یا یکدیگر خارج سازد.

بخش ششم به ارتش جمهوری دموکراتیک اسلامی

archive.org

و تجدید سازمان مردمی ارتش بمشروع جری ترین ضرورت‌های بقا کشور و تکمیل انقلاب اختصاص دارد. و این تجدید سازمان پیوسته در جنبه‌های خواستهای پرسنل ملی و مردمی ارتش نیز بود ماسته و

۱- قطع هر گونه واردات خارجی در امر کشاورزی و دامپروری برای تشویق تولید داخلی مگر به منظور تامین کسر تولیدات داخلی برنامه دولت موقت در بخش هشتم خود، در نه ماده به حقوق کارگران می‌پردازد و اظهار میدارد که:

"دولت موقت، نکات زیر را رعایت خواهد نمود:

- الف - لغو کلیه مقررات ضد کارگری
- ب - سهم کردن کارگران در اداره کلیه صندوق‌ها و بانکهای مختلف کارگری و حتی المقدور سپردن این مراکز به خود آنها
- ج - برسمیت شناختن حق اعتصاب و هرگونه اعتراض سالم‌ت امیز دیگر با اعلام قبلی
- د - لغو تمام کسور دولتی از قبیل مالیات و بیمه و امثالهم از دستمزد کارگران و تامین تدبیرهای هزینه‌های ضروری نظیر بیمه و بازنشستگی
- ه - لغو کلیه‌ی مطالبات پیشین از کارگران محروم در کلیه زمینه‌ها
- و - تلاش برای تامین مسکن، حمل و نقل و بهداشت برای همه کارگران و تهیه (غیر مجانی) شیرخوارگاه و کودکان برای فرزندان آنها و حق تقدم تحصیل مجانی در دانشگاه و مدارس عالی

زافزایش تصاعدی حق‌السهم کارگران از سود کارخانجات نسبت به افزایش سود کل ((کارفرما))

ح - تامین آموزش حرفه‌ای و فنی برای کارگران غیر متخصص

بخش نهم برنامه به آموزش، تحصیلات عالی و فرهنگ اختصاص می‌یابد. در این بخش به شرح زیر از شرح جنایات خمینی و خصوصیت او با فرهنگ ملی تحصیلات عالی و دانشگاه‌های کشور که اثر خصوصیت با ساواک شاه بیشتر بود، اظهار میشود:

"به اعتقاد ما مسلمانان، عظمت ترین زیان خمینی متوجه فرهنگ راستین اسلام محمدی و طوی شد فاست که با بیستی با ترویج حقایق اسلام انقلابی، هر چه زود تر آثار ویرانگر جنایت خمینی را در میان مسلمانان جهان پیویزه ایران زده و

"دولت موقت" در زمینه آموزش، تحصیلات عالی و فرهنگ، فعلا موارد زیرین را برعهده میگیرد: الف - استقلال کامل دانشگاهها و مدارس عالی و ادارای آنها تحت نظر شورای دانشگاهها

ب - تلاش برای ریشه‌کنی بیسوادی و آثار جاهلیت گسترده رژیمهای شاه و خمینی

ج - خارج کردن سازمان و تاسیسات ورزشی کشور از یک وضعیت لوکس برای اشاعه دسته بقیه در صفحه ۹

"مهمترین خصوصیات ارتش جمهوری دموکراتیک اسلامی به قرار زیر است: الف - انضباط پولادین آن آگاهانه است و نه کورکورانه

ب - روابط درونی آن در عین حفظ سلسله مراتب دموکراتیک است. ج - در ارتباط با اقدار مختلف مردم قرار دارد و ضمن برعهده داشتن آموزش نظامی تمام مردم، خود نیز حتی المقدور در مبارزه‌ی تولیدی و سازندگی کشور شرکت میکند.

د - سطح دانش و کارآئی نظامی و سیاسی خود را پیوسته از طریق دانشکده‌ها و اساتید نظامی خود بالا میبرد.

ه - برای قطع وابستگی تسلیحاتی تا سرحد امکان فنون و صنایع نظامی داخلی را تا مرز خود کفائی دفاعی کشور افزایش میدهد. بخش هفتم مربوط است به سیاست ارضی و مسائل روستائی، که نخستین قدم عاجل برای نجات کشاورزی، یک اصلاحات ارضی ریشه‌ای است. در این رابطه، مضمون عمل با بطور اصولی این خواهد بود که زمین متعلق به کسی است که روی آن کشت میکند" در موارد اساسی این بخش در ده ماده شرح زیر ذکر شده است:

الف - تامین حداقل تکنولوژی و وامهای بدوین بهره برای دهقانان نیازمند و تامین آب کافی و تصحیح نظام آبیاری

ب - گسترش سطح زمین‌های زیر کشت و احیا و فعال نمودن اراضی قابل کشت در سراسر کشور ج - توسعه اشکال دستجمعی بهره‌برداری از زمین ... مشروط بر توافق اختیاری دهقانان ... د - ایجاد تعاونی‌های دهقانی و تقویت روحیه جمعی و شورائی کشاورزی

ه - صرف نظر کردن از دیون دهقانان تهیدست به مراجع دولتی و مالگان بزرگ و رباخواران و لغو مالیات امور زراعی آنها.

و - تربیت کادرهای آموزشی و معلمین کشاورزی و تعیین سمت آینده‌ی تکامل سازمان کشاورزی بطور دستجمعی

ز - سازمان دادن کارگاههای کوچک روستائی برای جذب بیگاران روستائی و بکار انداختن همه نیروهای مولد روستا ج - تامین مسکن برای روستائیان از طریق ایجاد شرکت‌های مناسب روستائی با خدمات ضروری به منظور ممانعت هرچه بیشتر مهاجرت به شهرها. در همین رابطه، گسترش صنایع سیمان و اجسازگی ط - تاکید بر بیمه و درمان روستائی و گسترش شبکه گاز و برق و راه‌آهن و ایجاد مهای ارتباطی در نواحی روستائی

# جمهوری اسلامی دشمن زحمتکشان، حامی سرمایه‌دار

نگاهی به . . .

بقیه از صفحه ۵

جمعی و سراسری ورزش . . .  
 د - حفاظت از آثار باستانی موزه‌ها و  
 موارث تاریخی  
 ه - ترویج ادبیات و هنر واقعه‌ها ، مستقل  
 و مردمی  
 و - جذب مغزها و هموطنان متخصص در  
 خارج و داخل کشور و عوت از آنها برای خدمت  
 به مردم میهن شان . . .  
 بخشی دهه‌ها برای سیاسی - اجتماعی زن  
 و مرد اختصاص دارد :  
 " دولت جمهوری دموکراتیک اسلامی ایران بر  
 تلاش به منظور تامین کامل حقوق تمامی زنان  
 کشور ، دفاع از هر عید متساوی و محدودیت  
 بهره‌گزارانه‌ی طبقاتی ، تاکید میکند"  
 و اضافه میکند که :

" برخورداری از حقوق سیاسی و اقتصادی  
 و اجتماعی متساوی ، برخورداری از دستمزدهای  
 برابر ، کار مساوی با مردان ، برخورداری  
 از امتیازات ویژه‌ی زنان در حین کار  
 و مهمتر از همه ، راه‌های از ستم تاریک ارتجاعی  
 و تلقی کلاسی سرمایه‌داری از خصوصیات  
 این عصر جدید رهائی است  
 بخش یا زده هم مربوط است به تامین رفاه اجتماعی .  
 در این بخش پس از اشاره به اینکه  
 برخلاف رژیم ارتجاعی خمینی ، دولت موقت  
 جمهوری دموکراتیک اسلامی بر این نیست که  
 مردم انقلاب کرده‌اند تا از هیچگونه رفاه و  
 تامین اجتماعی برخوردار نباشند ! . . . به  
 عکس ، به اعتقاد ما تامین اجتماعی نیاز -  
 های لازم مادی ، خود ضرورت شیوه‌های نیا زها  
 و انگیزه‌های متعالی است . . ."

اضافه میشود که دولت موقت جمهوری دموکراتیک  
 اسلامی " بهره‌حال در این رابطه برای دستیابی  
 به موارد زیرین تلاش خواهد کرد :  
 الف - مبار کردن هر گونه هرج و مرج و عوامل  
 مخرب آسایش و امنیت اجتماعی  
 ب - ملی کردن طب و بهداشت عمومی و به  
 خصوصی گسترش شبکه‌ی بهداشتی و روستایی  
 ج - گسترش بیمه‌های سراسری در رشته‌های  
 مختلف ( بخصوص بیمه‌های کارافتادگی و  
 بازنشستگی )  
 د - به حداقل رسانیدن مالیاتهای غیر مستقیم  
 بروی کالاهای اساسی مورد نیاز توده‌ی مردم  
 و افزایش اینگونه مالیاتها بروی مصرف  
 لوکس  
 ه - لغو کلیه‌ی مطالبات کم‌شکن رژیمهای  
 پیشین از اقشار کم درآمد

و تامین معیشت و مسکن و تحصیلات کارمندان  
 جزء دولت و سایر خصوصی و فرزندانشان  
 بخصوص آموزگاران و دبیران و لغو پیون  
 مختلف آنان به مراجع دولتی

ز - ارتقا کیفی سطح تغذیه عمومی به ویژه  
 مصرف پروتئین بخصوص برای کودکان و اقشار  
 کم درآمد .  
 آخرین بخش برنامه‌ی دولت موقت " در مورد  
 سیاست خارجی است ، در این بخش گفته میشود :  
 " سیاست خارجی دولت موقت جمهوری دموکراتیک  
 اسلامی ایران بر مبنای استقلال و عدم متعهد و  
 کناره‌گرفتن از همه‌ی پیمانهای سیاسی و  
 نظامی استعماری و حفاظت از منافعی و  
 آب و خاک ملی ( تاکید از متن برنامه است ) از  
 اصول زیرین پیروی میکند :

الف - عدم دخالت در امور داخلی سایرین  
 و ممانعت از دخالت دیگران در امور داخلی  
 کشور  
 ب - همزیستی ، صلح و همکاری‌های بین‌المللی  
 ج - احترام به منشور ملل متحد و اعلامیه‌ی جهانی  
 حقوق بشر  
 د - محکوم کردن همه‌ی سیاستها و خط مشی‌های  
 نژاد پرستانه و فاشیستی  
 ه - حمایت از تمامی جنبش‌های آزادی بخش ضد -  
 استبدادی ، ضد استعماری و ضد استعمارگری در  
 سراسر جهان .



قبل از بررسی " برنامه‌ی مرحله‌ی دولت موقت جمهوری  
 دموکراتیک اسلامی " لازمستیک نکته‌ها را تذکره کنیم .  
 اختصاصاً در این چند صفحه‌ی نشریه به خلاصه‌ی نسبتاً  
 جامع و کامل از این برنامه عمده‌ی دولت موقت جمهوری دموکراتیک  
 ۱ - بخاطر وجود جوان ختنه‌خوار و سرکوب وحشیانه‌ی  
 رژیم خمینی ، این برنامه عمده‌ی دولت موقت جمهوری دموکراتیک  
 افراد و شایسته‌ی این برنامه عمده‌ی دولت موقت جمهوری دموکراتیک  
 رسید است و در نتیجه‌ی این زحمات و تلاشها ، این برنامه عمده‌ی دولت موقت جمهوری دموکراتیک  
 با مقادیر چندین برنامه‌ی کم‌بیش‌اشناختی داشته  
 باشند . شاید می‌بایست متن کامل آنرا منتشر کنیم  
 چرا که این برنامه عمده‌ی دولت موقت جمهوری دموکراتیک  
 بدفعات مورد مراجعه و استناد قرار خواهد گرفت  
 ولی متأسفانه به‌علت محدود بودن صفحات نشریه‌ی ما در  
 به انجام اینکار نیستیم .  
 ۲ - قبل از نقد و بررسی این برنامه ، حداقل چاپ  
 خلاصه‌ی آن مفاد آن را زهدود ، چرا که در دست  
 داشتن همین خلاصه ( نسبتاً جامع و کامل ) از آن ، هم  
 کار بررسی کنند و هم کار خواهند توانستند .  
 میکند . و در واقع نمیشود برنامه‌ی را مورد نقد و  
 بررسی قرار داد که افراد معدودی احتیاجاً آنرا  
 دیدند و یا حتی بسیاری از وجود آن اطلاع  
 ندارند .

با ذکر این مقدمه ، اکنون به اختصار به بررسی  
 " برنامه‌ی مرحله‌ی دولت موقت جمهوری دموکراتیک  
 اسلامی " می‌پردازیم و نکاتی چند را متذکر میشویم :  
 اولین نکته‌ای که در باره‌ی این برنامه‌ی  
 " مرحله‌ی دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی " ←

مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه با سرمایه‌داری نیست

"دولت موقت" نیست، د ولتی که عمر آن، علی الاصول از چند ماه (فاصله‌ی بین سرنگونی رژیم قلمی و استقرار دولت جدید و پیمان کار مجلس موسسان) تجاوز نمیکند. این برنامه‌ی مرحله‌ی بطوریکه ملاحظه شد، برنامه یک دولت دائمی است که تحقق "برنامه‌ی مرحله‌ی آن (بطوریکه ملاحظه میشود)، چندین و چندسال وقت لازم دارد چرا که احراز واقعی بسیاری از مواد این "برنامه‌ی مرحله‌ی دولت موقت"، چندین و چند سال بطول خواهد انجامید.

در اینحال، با قبول فرض جانشینی "دولت موقت" بحای رژیم کمونی، مسئله از دوحالت زیر بیرون بیست:

۱- یا در طرف چند ماه پس از سرنگونی رژیم حمیدی "دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی عراق" انتقال حاکمیت به مردم ایران، "مجلس موسسان" را از طریق انتخابات آزاد (باهرگونه نظارت و تضمین مردم) تشکیل خواهد داد. نمایندگان مردم در این مجلس، نام مشکل و محتوای نظام قانونی جدید را تعیین خواهند کرد. پس از خاتمه کار مجلس موسسان و پس از انتخابات و استقرار سبادهای قانونی جدید، وظیفه "دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی" نیز خاتمه خواهد یافت و ریسمان نام مشکل و محتوای جدید (نه لزوماً بسایم مورد اعتراض) دولت موقت، بروی کار خواهد آمد و برنامه‌ی خود (نظراً برنامه‌ی مرحله‌ی دولت موقت) را به مرحله‌ی احراز خواهد گذاشت (و از هم اکنون هیچ کس نمیتواند با قطعیت پیش بینی کند که دولت موقت و برنامه‌ی مرحله‌ی آن تنها و دقیقاً در دولت بعدی و قانون اساسی جدید متبلور خواهد شد).

۲- یا "دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی" قائم رژیم حمیدی برآن حفظ نام مشکل و محتوای رژیم مورد نظر خود، بهر وسیله‌ی ممکن و متصور متوسل خواهد شد و چه بسا مجلس موسسانی هم در کار باشد در اینحال، البته دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی سعادت "برنامه‌ی مرحله‌ی آن" یا برنامه‌ی تازه‌ای را به مورد احراز در آورد. (۲)

● در برنامه‌ی دولت موقت "انحلال ارتش صدر خلفی و تشکیل ارتش نه‌فای که مجاهدین در گذشته اهمیت نسبت به آن حساب بیت نشان میدادند، صحبتی در میان نیست و جای آن را "تجدید سازمان ارتش سخن گفته میشود. نکته مهمتر این است که اثر چه در مورد تصفیه ارتش از سرسپردگان رژیم حمیدی (که تعدادشان زیاد نیست) توسط مجاهدین خصوصاً در احراز وجود ندارد، ولی در هیچ‌کدام برنامه، در مورد تصفیه ارتش از سرسپردگان شاه اشاراتی نمیشود.

● مجاهدین که پس از قبول "بنی صدر" اکنون به "برنامه‌ی مرحله‌ی آن" رسیده‌اند، کاملاً اساسی و مهمی به‌خوب برداشته‌اند که قابل تحسین است. این برنامه، صدها بار از برنامه فوق ارتجاعی و ضد انقلابی و ضد مردمی و ضد دین‌داران از برنامه‌ی ضد انقلابی (ضد کارگری) بنی صدر، مترقی‌تر است. هر چند که در شکل کمونی-اش برنامه‌ی باشد غیر واقعی، غیر قابل تحقق و در یک کلمه تخیلی (در این باره بعداً توضیح

میتوان عنوان کرد اینست که علی الاصول، یک دولت موقت که قدرت را بدست میگیرد، همانطوریکه در فصل اول "برنامه" نیز دیدیم، وضعیت موقت دارد، وظیفه‌ی آن "انتقال حاکمیت به مردم ایران" است و رسالت چنین دولتی، علی القاعده، پس از تشکیل "مجلس موسسان" تعیین نظام قانونی جدید و روشن قانون اساسی آن "خاتمه‌ی باید. بنا براین، چنین دولت موقتی به برنامه‌ی انجمن پوپول و تقسیم نیاز ندارد چرا که این دولت، عهد مدار یک وظیفه‌ی موقت است و پس از انجام آن، کنار میرود.

اما یک نوع "دولت موقت" دیگر هم داریم که مانند "دولت موقت جمهوری اسلامی" حمینی و کمپو بیش با همان عهدهای مذکور در فوق تشکیل میشود و در پرسوهای که دیدیم به رژیم مغرور جمهوری اسلامی تبدیل میگردد. بهر حال با وجود جناب سایقهای شوم و هوس از خاطرهای نرفته، بحسب میتوان از "دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی" سؤال کرد که اگر قرار است مجلس موسسان، از طریق انتخابات آزاد (باهرگونه نظارت و تضمین مردم) بران تعیین نظام قانونی جدید و روشقانون اساسی آن تشکیل شود، پس معنای این "برنامه‌ی مرحله‌ی آن" (و در واقع دراز مدت) چیست؟ برنامه‌ی که خلاصه‌ی نسبتاً جامع و کامل آنرا در صفحات قبل نقل کرده‌ایم، اید این برنامه یک

خواهیم داد .

برنامه‌های رژیم خمینی، برنامه‌های خرید و فروش بورژوازی مرتجع را قبل سرمایه‌داری، ضد انقلابی (ضد کارگری) و ضد مردمی است. "میتاق" مرحوم بنی‌صدر، برنامه‌های بورژوازی مفلوک و بی‌سوی است. ایرانی، آریا، ضد انقلابی (ضد کارگری) و بالعابی از دموکراسی بود. و برنامه‌های مرحله‌ای دولت وقت، از نظر رهنمایی دموکراتیک (بورژوازی) و از نظر زیربنایی خرید و فروش بورژوازی و غیر انقلابی (غیر کارگری) است و با این همه، در شرایط کنونی، در شرایطی که انقلاب سوسیالیستی هنوز امکان تحقق بی‌واسطه ندارد از آن می‌توان بعنوان یک برنامه‌های پستی نام برد. تکیه‌های اساسی برنامه‌های مرحله‌ای دولت وقت علاوه بر "سرمایه‌داری و بازار ملی" (۱)، عمدتاً بر روی دهقانان، کسبه، جز، کارمندان و سایر اقشار خرد بورژوازی سنتی و جدید است و کم توجهی چشمگیر آن نسبت به کارگران توجه هرخوا نند، عادی‌ان نیز بخود جلب میکند که بعداً به آن خواهیم پرداخت ولی قبل از پرداختن به این پهنای اساسی (زیست بنایی) "برنامه‌های مرحله‌ای دولت وقت" تذکرو تاکید بروی چند نکته لازم است:

- ۱ - گفتیم و تکرار میکنیم که این برنامه در مقام مقایسه با "میتاق"، یکگام مثبت و مهم به جلو است.
- ۲ - این برنامه، در شرایط کنونی، یک برنامه مترقی است.
- ۳ - برخورد انتقادی کمونیست‌ها با این برنامه‌ها هر برنامه‌های مترقی دیگر، بدلیل اینکه یک برنامه غیر انقلابی (غیر کارگری) است، نه مخالفست غیر اصولی و غیر دگرگانه بلکه برخوردی سازنده است و سبب شدن در رفع کاستی‌ها، نادرستی‌ها و خیالیاتی که ما حتی وقتی که معتقدیم این برنامه در شکل کنونی‌اش غیر واقعی، غیر قابل تحقق و در یک کلمه، تخیلی است (چراش را بعداً توضیح میدهم)، معنایش مخالفت کامل‌ان یا آبی‌خ خواندن نیست بلکه همان برخورد انتقادی سازنده و همان ادای سبهد ررف کاستی‌ها، نادرستی‌ها و خیالیاتی‌ها را دنبال میکنیم. بنابراین، صرف نظر از اینکه "برنامه‌های مرحله‌ای در شکل کنونی‌اش تا چه حد در عمل به مورد اجرا در آید و یا اصولاً تا چه حد قابل اجرا باشد کمونیست‌ها در مقابل چنین برنامه‌های نخبه‌اند اپستاد ولی با این همه وظیفه دارند، بی‌انگیزه دوی زده شده و بدچار خیالیاتی گردند، از ایجاد توهمات جدید جلوگیری کنند. چنانچه مورد پسند نویسندگان برنامه‌های مرحله‌ای باشد و چنانچه محکوم کند. (۳)

ضد کارگری‌ها و خمینی، به مراتب مترقی‌تر است ولی چیزی بیش از حقوق کارگران، در کشورهای بورژوازی اروپائی را در بر ندارد. علاوه بر رد سرمایه‌داری وابسته به خارجی، و پذیرش سرمایه‌داری و بازار ملی (۱)، مالکیت شخصی و خصوصی و سرمایه‌گذاری فردی، اولویت قابل شدن برای کشاورزی، "احیا صنایع کوچک" (احیا صنایع ملی؟ احیا صنایع کوچک ما قبل سرمایه‌داری؟) "توجهات جدید به رشد صنایع کوچک و متوسط به ویژه در حوالی روستاها" از جمله اساسی‌ترین چشم اندازهای اقتصادی این برنامه بشمار میرود. از طرف دیگر ابتدا تصادفی نیست که در برنامه همه جا از دهقانان قبل از کارگران نام برده میشود. از این گذشته، بیشترین توجه برنامه نسبت به اقشار مختلف خرد بورژوازی (در مقام مقایسه با کارگران) و در بسیاری از مواد برنامه به چشم می‌خورد و بعنوان مثال میتوان دو نمونه زیر را ذکر کرد:

۱- فصل سوم، بخش هفتم میگوید:  
 "تأمین مسکن برای روستا نشینان از طریق ایجاد شرکت‌های مناسب روستائی با خدمات ضروری . . ."

یا در فصل سوم: بخش یازدهم میخوانیم:  
 "تأمین معیشت و مسکن و تحصیلات کارمندان جز" دولتی و دایر خصوصی و فرزندانشان بخصوص اموزگاران و دبیران" و "اسفود بیون مختلف آنان به مراجع دولتی".  
 چه کسی میتواند با "تأمین مسکن روستا نشینان" و "تأمین معیشت و مسکن و تحصیلات کارمندان جز" دولتی و دایر خصوصی و فرزندانشان بخصوص اموزگاران و دبیران . . . مخالف باشد؟ فقط تمام حرف در این جاست: وقتی که (در فصل سوم، بخش هشتم) نوبت به کارگران میرسد، "تأمین مسکن و غیره فقط به تلاش برای تأمین مسکن تقلیل میابد."

۲- در بخش اول و دهم از فصل سوم، شورای بازاری و شورای دانشگاهها مطرح میشود. از شورای بازاری که بگذریم، چه کسی میتواند با شورای دانشگاهها مخالف باشد؟ استقلال دانشگاهها و اداره دانشگاهها توسط شورای آنها، یک رفورم بورژوازی است و در غالب کشورهای غربی مورد عمل است. البته ما برخلاف خشک اندیشان مارکسیست ابتدا معتقد نیستیم که چون بین رفورم اساساً بورژوازی است پس کمونیست‌ها باید با آن مخالفت کنند. بلکه برعکس، از اینکه شورای دانشگاهها، در برنامه دولت موقت بر سهیمیت شناخته شده از آن استقبال میکنیم حرف ما فقط نشان دادن اولویت در برنامه‌های دولت موقت به بورژوازی و خرد بورژوازی است و کم توجهی به کارگران. وقتی در برنامه‌های شورای بازاری یعنی به شورای سرمایه‌داران رسمیت بخشیده میشود ما حتی داریم سؤال کنیم چرا سرتاسر برنامه‌های دولت موقت، اشاره‌ای به شوراهای کارگری ندارد و در مقابل حتی تعیین میزان مالیات بازاریان به رضایت شورای آنها موکول میشود. در همین جا، در رابطه با شوراهای یک نکته دیگر نیز قابل ذکر است: در بخش ششم فصل اول برنامه

قبلاً گفتیم که تکیه‌های اساسی این برنامه علاوه بر سرمایه‌داری ملی و بازار ملی (۱) و غیره عمدتاً بر روی دهقانان، کسبه، جز، کارمندان و سایر اقشار خرد بورژوازی سنتی و جدید و کم توجهی به کارگران است. مواد نه‌گفتی که در فصل سوم و بخش هشتم بعنوان "حقوق کارگران" که دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی آنها را رعایت خواهد نمود آمده، اگرچه از برنامه‌های

## پیش بسوی تدارک انقلاب سوسیالیستی



از نظام شورایی بعنوان "متکاملترین شکلی اداره امور کشور و یاد آری انقلاب صحبت میشود ولی همین متکاملترین . . . در بخش سوم، فصل سوم تحت عنوان "شوراهای مردمی" چنان رقیب میشود که به چیز کم خاصیتی مبدل میگردد و در اینجا یا تقسیم شوراهای به شوراهای تصمیم گیرنده و "شوراهای مشورتی"، دیگر چیز زیادی از نظام شورایی باقی نمی ماند . و عملاً "شوراها" به وسیله ای در دست دولت مبدل میگردد که با این انتصابات "مدیران" کارخانه ها و فرماندهان ارتش توسط دولت را تصویب کند . در این بخشش اعلام میشود که "شوراهای تصمیم گیرنده مانند اداره امور شهر هیچ نیازی به اعمال مرکزیت و سانترالیسم از خارج از شورا ندارد" - که این چیز جز همان شوراهای ایالتی و ولایتی مندرج در متمم قانون اساسی سال ۱۹۰۷ نیست . اما بقیه "شوراها" ، یا "مشورتی هستند (و مشاوره ای الامر) که نیازی به اعمال مرکزیت و سانترالیسم از خارج شوراهای دارند یا شوراهائی با اختیار کمتر یک صرفاً مشورتی . و غیره .

طلبا نه عقاید یا فکر" (فصل سوم بخش چهارم) که در این زفتیش عقاید معلوم نیست و بهره برنا همه دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی از نظر رونقاتی بویژه در زمینه حقوق آزاد نهی دموکراتیک به برنا می یک انقلاب دموکراتیک (بمورد - دموکراتیک) شباهت دارد - با این تفاوت که دو اصل اساسی انقلابهای دموکراتیک اروپائی در آن غایب است یکی اصل جدائی دین از دولت و دیگری اصل جدائی مدرسه و کلیسا (مسجد) - برنا می دولت موقت بد لایلی که میدانیجهتتها این دو اصل اساسی را نادیده گرفته بلکه بطور ضمنی آنها را تا پدید میکند . از این دو نکته بسیار مهم که در واقع گذشتنی هم نیست که بگذریم ، سایر اصول دموکراتیک انقلابهای سیاسی مترقی در آن مندرج است که در شرایط کنونی میتواند مورد استنباط کمونیستها قرار گیرد چرا که در مقابل حکومت قرون وسطائی دین سالاری ، یک گام مهمی سیاسی به پیش است .

● بطوریکه گفتیم با اینکه در برنامهی "دولت موقت" بیشترین توجه معطوف به بورژوازی و اقلیت مختلف خرد بورژوازی (از جمله دهقانان) است با اینحال برنامهی سیاست ررضی و مسائل روستائی (بخش هفتم، فصل سوم) دارای ابهامات و تناقضاتی در فراوانی است . در سیاست ررضی و مسائل روستائی و در هیچ جای برنامهی مرحله ای در مورد مصادره زمینهای زمینداران بزرگ صحبتی به میان نمی آید و معلوم نیست که در اینجا "اصلاحات ررضی ریشمائی" چگونه میتواند تحقق یابد . این برنامهی خود را به یک شعار رنگی و غیر صریح محدود میکند : زمین متعلق به کسی است که بروی آن کشت میکند . اگر فرض کنیم منظور تلویحی (نه صریح) آن اینست : زمین متعلق به دهقانان است که روی زمینهای زمینداران بزرگ کار میکنند ، در این حال نیز وضع دهقانان کم زمین ، خوش نشینان ، مهاجران و راهزنی روستائی در شهرها همچنان نامعلوم است . در این برنامهی اصلاحی برای این سؤال نمی یابیم و شاید بتوان حدس زد که یکی از مواد همین بخش هفتمناظر بر احوال آنها باشد که میگوید :

ولی باز بدون اینکه بخواهیم آیهی یاسی بخواهیم یا بدون اینکه بخواهیم مجاهدین را در هیچ زمینهای باوجود فوق مرتجعی مانند خمینی مقایسه کنیم ، ناگزیر به مقایسه ایم . خمینی قبلاً از انقلاب سیاسی بهمن ۵۷ ، در بیانیهها و سخنرانیها و مصاحبههای متعدد خود ، بارها هر چند با لحنی عامیانه و مبالغه آمیز ، و با عبارات سنجیده ای برنامهی "دولت موقت" ، کم و بیش احترام تمام این حقوق آزاد نهی دموکراتیک را وعده داد . برنا می با واقعاً خمینی در همان وقت صرفاً یک شاید بود و تمام آن وعده ها فقط یک "تاکتیک" ریاکارانه که بود ؟ بگمانم آنها چنین نیست . تعالیم چه را که خمینی در این ایام وعده داد الزاماً فریب و دروغ و نیرنگ نبود و شاید خمینی تا بهشت زهرا هنوز تشکیل مجلس موسسان را ضروری میدانست . چرا چنین نشد ؟ اعمال بسیاری در این مورد موثر بود از جمله اگر از حماقتهای سنجابیها ، بازرگانها و پنی صدرها و بسیاری از نیروهای به اصطلاح "کلی گره" بگذریم ، بخش اعظم این گناه را باید به پای سپاه ستبائی معاشات جویانه ، و توجیه گرانه ، خیالباقی های فدائیان و مجاهدین نوشت .

"سازمان دادن کارگاههای کوچک روستائی برای جذب بیگانگان روستائی و کارخانجاتن همه نیروهای مولد روستا ، که جواب قانع کننده ای در عدم برخورد با مصادره زمینهای زمینداران بزرگ نیست . گسترش سطح زمینهای زیر کشت (بندج اصلاحات ررضی اسلامی ؟) ، احیاء و فعال نمودن اراضی قابل کشت (بندج الف) ، بندج (بندج) و توسعه کشت های دست جمعی" در صورت امکان (کشت مشاعی طرح رضا اصفهانی) و غیره نیز منجول بی است به سؤال طرح شده در فوق و نمیه معنای اصلاحات ررضی ریشمائی .

در همین زمینه (جهد ررابطه با گذشته و چه در رابطه با آینده) ، یک نکته بسیار مهم را هیچگاه و حتی یک لحظه هم نباید فراموش کرد: خرد بورژوازی برکنار از قدرت و خرد بورژوازی در حاکمیت هیچگاه دقیقاً به یک زبان سخن نمیگوید . خاستگاه یک طبقه یا قشری از یک طبقه در حاکمیت (و در اینجا خرد بورژوازی) است که تعیین کننده است ، نه "حسن نیت قبلی و "سو نیت بعدی" و یا "حسن نیت" یکی و سو نیت دیگری . البته توازن قوای طبقاتی ، سطح مبارزه ی طبقاتی جاری در جامعه و آگاهی یا عدم آگاهی طبقاتی سازگاری کمونیستی ، میتواند موضعگیریها و برنامهمسئله ای خرد بورژوازی در حاکمیت را در گروگون کند ، و از یکسو به سوی دیگر سوق دهد .

● در "برنامهی مرحله ای" نگارفران و ندیگری هست که ما بعلافت ضمیمه صفحات بیان نمی پردازیم ولی اهمیت این نگاه تبیینی در مجازات یاد شد . کمتر نیست از این جمله اند قومخواندن اگراد (فصل سوم بخش پنجم) ، و عدم بد حالت در مورد اخلای سایر کشورها و در عین حال حمایت از جنبشهای آزاد بخش (فصل سوم بخش آخر) ، نفی پنهان نمودن فرصت -

از طرف دیگر ، وعده ها و شعارهای مدون و غیر مدون ، هر قدر در زمینه مسائل روستائی (بویژه حقوق آزاد نهی دموکراتیک) درخشان باشند فی نفسه چیزی را بیان نمیکند ، چه بخواهیم وجه

بخوابیم . مسأله زیربنائی یک برنامه است که آخر را میزند . لااقل کمونیستها میدانند ( و باید بدانند ) که در یک برنامه ، قبل از هر چیز باید به برخوردان برنامه مدبرانه مسأله اقتصادی توجه عمده کرد . رجوعی در برنامه " دولت موقت " بین کلاخمینی را که : " اقتصاد مال خراست " دید رستی به مسخره میگیرد . بحث ما در اینجا بر سر آن کلام ابلهانهای یک سفینه نیست بلکه بر سر این است که جهت گیری یک برنامه مدبرانه مسأله اقتصادی ، یا در جازد ناست یا بنوعی تلاش برای زنگشت به مناسبات تولیدی ما قبل سرمایه یا حرکت بسمت تکامل اجتماعی و یا احتمالاً تلفیق هر سه اینها ، جدا قل چیزی که در زمینه مسأله اقتصادی برنامه " دولت موقت " میتوان گفت ، نبروشنی ها با هم است و عد مصراحتها فی است که بران در این زمینه اساسی سایه انداخته است .

تجدیدی نیست که برنامه " دولت موقت " با راهی هد فهای مترقیان را نیز دنبال میکنند ولی متأسفانه راه رسیدن به این هد فها را به نمایش نمی گذارند . در میدان نهترین حالات ، احساس گز نکردن هد فها را میدانند و در خوشبینانهترین حالات ، آن را هد ف میانهای غلیظ ( " تاکتیگ " ) پنجهان شده است . و مسلماً این حسن یک برنامه نیست که قبل از هر چیز باید وقت ، صراحت ، صداقت و واقعیت داشته و حسن اعتماد را برانگیر همه کس را بنوعی راضی کردن و هیچ کس را نرنجاندن ، در بهترین حالات ، غیر عملی و خیال با فانه است . یک برنامه پیوسته ای است که مانند تمام برنامه های پیوسته ای تاریخ ، " ته " ندارد و در سطح حرکت میکند و در نهایت ، به نا کجا آباد می رسد .

اگر بخوابیم برنامه " دولت موقت " را در زمینه مسأله اقتصادی در یک عمارت خلاصه کنیم ، باید بگوئیم برنامه ما بیست که در آن کوشش شده تعامسی طبقات و اقشار جامعه ، کهو بیش راضی شوند . لااقل هیچ لایه و قشری از یک طبقه ، ناراضی نباشد . به همه کس کهو بیش همه چیز داد میشود و از هیچ کس تفریب چیزی گرفته نشود . بنوعی باشد که همگان چشم نداز آیند ، را بر وضع فلاکت با رکتونی ترجیح دهند .

نوشتن یک چنین برنامه ای در حرف البته بسیار ساده است و اما مسأله مسائل اینست که چنین برنامه ای در عمل تا چه حد قابل اجرا خواهد بود و واقعیت های سخت زمینی تا چه حد به خیال با فی ها میدان خواهد داد ؟ چرا که هر یک از هد فها و وعده های مندرج در این برنامه ، دهها میلیون و میلیاردها تومان هزینه بر میدارد . این هزینه ها از کجا و چگونه تأمین میشود ؟ بویژه ، همانطوریکه گفته شد این در حالتی است که به همه کس چیز و عد داده شود و از هیچ کس چیزی گرفته نشود و مناسبات اجتماعی تغییر نکند . یک برنامه ، چه در رژیم سرمای سرمایه داری و چه در نظام سوسیالیستی ، نبروی خیال با فیها ، آرمانخواهی ها بلکه بروی رقام و آثار و امکانات و بر اساس یک برنامه ریزی دقیق و همه جانبه ، بنا میشود و برای اینکه یک برنامه نبروی آسپنا نشود ، هر یک از هد فها و وعده های مندرج در برنامه " دولت موقت " باید دقیقاً محاسبه شود که چه تعداد از افراد آزان برخوردار

خواهند شد ، کل هزینه های آن چه مقدار خواهد بود و این هزینه ها از کجا و چگونه تأمین خواهد شد . و خصوصاً فراموش نکنیم آنچه پس از رژیم نکبت با رخمینی باقی خواهد ماند یک کشور ویران و مضعحل ، یک اقتصاد کاملاً ورشکسته است و فقط ترمیم خرابیهای این رژیم شاید سالیان متعادی وقت لازم داشته باشد . ایراد اینجاست که تنظیم کنندگان برنامه بجای برخوردی واقع گرایانه ، به جای گرفتن از سرمایه داران و دادن به بی چیزان کوشش کرد ما ند با وعده های سخاوتمندانه همه کس دل همه را بدست بیاورند . وظیفه ی یک نیروی مترقی ، دادن وعده های غیر عملی ، تحقق ناپذیر و خیال با فانه نیست ( به محرومان و استثمار شونده گان همه چیز دادن ، از ثروتمندان و استثمار کنندگان چیزی نگرفتن ) بلکه بیان حقایق و واقعیت هاست .

از طرف دیگر ، زیباست و بسیار زیباست که همگان ( سرمایه داران ملی ، بازاریان ملی ، سرمایه گذاران ملی ، مالکان خصوصی ، زمینداران بزرگ و کارگران ، دهقانان ، تهیدستان شهری ، کارمندان و در یک کلمه ، کلیه طبقات و اقشار جامعه ) به دور یک سفره بزرگ به نام ایبران بنشینند ، یکی دستمال سفره ی نان خالی ، دیگری نان و پنیر ، دیگری قابلمه ی غذای فقیرانه ، دیگری ظرف غذای معمولی ، دیگری انواع و اقسام آشپزیه و اغذیه لذیذ را در مقابل خود قرار دهند ، هر کدام بدون اینکه به دستمال ، قابلمه ، ظرف بشقاب دیگری نگاه کند ، غذای خود را بخورد و با هم گل بگویند و گل بشنوند . در طول تاریخ در جوامع طبقاتی ، پیا پیا ، فلاسه ، شاعران ، مصلحان اجتماعی ، مردان سیاسی و غیره چند ده هزار بار چنین تصویری از برادری و اخوت را ترسیم کرده و در عالم خیال به تعطیل مبارزه طبقاتی حکم داده اند و چند ده هزار بار این رؤیا به شکست انجامیده است !

در تخیلی بودن بخش اساسی برنامه " دولت موقت " یعنی در زمینه مسأله اقتصادی و زیربنائی ، یعنی برنامه سازی سازش کارو سرمایه ، با وجود صد ها نمونه تاریخی ، قیازی به غیب گوئی نیست . اگر توفیقی در این راه متصور بود لااقل الان میشد یک نمونه موفقیت آمیز انرا در یک گوشه از جهان نشان داد . ( ۴ )

بدریفتن " سرمایه داری و بازاری ملی " ( ! ) ، " مالکیت شخصی و خصوصی و سرمایه گذاری فردی " ( فصل سوم ، بخش اول ، تذکرات ) و در عین حال وعده دادن " محافه رگونه ستم و استثمار " ( فصل دوم ، بخش ششم ) فقط خیال با فی محض نیست بلکه به شوخی غم انگیزی شباهت دارد . تجربه ای که هزار بار آزموده شده و هزار بار شکست خورد ، است . " دولت موقت " میخواهد یکبار دیگر آزموده ها را بیازماید .

به فردمی که از رژیم وحشی و جنا بیکار خمینی چنان بجان آمده اند که بخشی حتی یک کودتای دست راستی را با این رژیم ترجیح میدهند ، وعده های مربوط به حقوق و آزادیهای دموکراتیک مندرج در برنامه " دولت موقت " بحق خیال انگیز و زیباست ولی چه کنیم که ما ( بعنوان مارکسیست که یاد گرفته ایم روینا را تابعی از زیربنای بدانیم ) اعتقاد نداریم که آن وعده ها در چارچوب کنونی برنامه

"دولت موقت" تحقق خواهد یافت و دقیق تر اینکه دیر یا خواهد بود. آنها که به سوسیالیسم علمی اعتقاد دارند و آنها که به تجربیات فـرـاوان تاریخی مینگرند، چنین حکمی را می پذیرند. با این حال، بخاطر ارمانهای مردمی قرضها تحت ستم، آرزو میکنیم که این حکم، برای یکبار هم شده، استثنائی داشته باشد. فرانسویان ضرب المثلی دارند که میگوید "انکه زنده می ماند، خواهد دید."

نپذیرفت، چه میشود؟ باز همان شعاع معروف خمینی نه یک کلمه زیاد نه یک کلمه کم، تکرار خواهد شد؟ و باقی ماجراها که میدانیم و میدانید؟ (یک نمونه دیگر از نشانه های بدبینانه را در صفحات بعد ارائه خواهیم داد).

(۳) در آخرین بخش از فصل دوم ("و حیدر" برنامه ریزی در نظر عمل) یعنی قبل از ارائه مواد برنامه مرحله ای دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی (فصل سوم)، پیشاپیش هر گونه انتقاد یا عدم قبول جزئی از برنامه ای حاضر بعنوان "مثله کردن" و از جامعیت انداختن آن محکوم میشود. یعنی هر نیروی سیاسی که احتمالاً بخواهد در حول این برنامه، همکاری یا ائتلاف کند ولی انتقاداتی به آن داشته باشد و یا بر مبنای این برنامه برای رسیدن به یک فصل مشترک به بحث بنشیند، اب در هاون خواهد کوبید. آقای مسعود رجوی، یکبار دیگر، تصمیم گرفته است که بگوید: همین است که هسته این "امریت" در زمانی صورت میگیرد که "دولت موقت" هنوز قدرت را بدست نگرفته است. این یکی دیگر از همان نشانه های بدبینانه است که قبلاً اشاره شد. این همان برخوردی است که رجوی در خصوص "طرح شدن به میثاق" نیز... این برخورد، غیر اصولی، غیر سازنده، سنگت ریزی، خود محور، بینانه و غیر دموکراتیک است که در روند خود، بجای دیکتاتوری قرون وسطائی خمینی میتواند به دیکتاتور دموکراتیک اسلامی منجر شود.

(۱) در اینجا و همه جا در این مقاله، تأکید از ماسته مگر اینکه تصریح شود.  
(۲) نشانه های بدبینانه فراوانی در این زمینه وجود دارد. از برنامه ای دولت موقت که در واقع برنامه ای یک دولت دائمی است که بگذریم، از جمله این نشانه ها، صاحبیه ایست که در دوین هفته ای ورود قهرمانانهای رئیس جمهور کترینی صدر و برادر مسعود رجوی به پاریس، یکی از همسران وطنان مبارز یا برادر مجاهد مسعود رجوی انجام داده است (که در شماره ۱ - هفته نامه "استقلال" بجای "انقلاب اسلامی" در خارج از کشور، مورخ ۳۱ مرداد ۶۰ چاپ رسید. متن همین مصاحبه را بران نیز تکثیر شد). مسعود رجوی، در این مصاحبه میگوید:

"با توجه به مرحله ای کنونی انقلابان جمهوری دموکراتیک اسلامی را پس از تصویب رئیس جمهور آقای بنی صدر به احتمال قریب سه یقین این نام تصویب خواهد شد. به دلایل متعدد آید ثلوثیک واجتماعی و سیاسی، ما همچون اکثریت قریب به اتفاق مردم روی حضور کلمه ای انقلابی اسلام در نام جمهوری، اصرار داریم (خمینی فیز به همان دلایل بروی همان نام اصرار داشت) و امید داریم که هیچکس (۱) به دلایل گروهی عقیدتی خاص خود (۲) زما انتظار صرف نظر کردن از این کلمه انقلابی را نداشته باشد:

سؤال اینست که در صورت وجود این "اصرار و برخلاف این انتظار"، اگر واکنش هایی در مورد این نام بوجود آمد و یا اگر مجلس موسسان این نام

(۴) لایحه بلافاصله جواب داده خواهد شد: "الجزایر! بله، بله، الجزایر! کشوری که بیست سال پس از انقلاب و بدست گرفتن قدرت توسط خرد بورژوازی (مجاهدین الجزایری)، فقر و گرانی (ویژه در زمینه ای اجاره خانه و مواد غذایی خصوصاً گوشت) و تورم بیداد میکند، همین امروز پیش از شمسد هزار تن از کارگران آن فقط در کشور فرانسه مورد استثمای شدیدترین تحقیرها قرار دارند و با این حال اندوخته های ارسالی آنها به الجزایر، بخش مهمی از ارز خارجی کشور را فراهم میکند...."